



دانشگاه باقرالعلوم

پایان نامه کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

**مراتب هستی**

**از منظر ابن سینا و شیخ اشراق**

استاد راهنما:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر یدان.. یزدان پناه

استاد مشاور:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسن معلمی

نگارش و پژوهش:

مجید احسن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## تقدیم

پیشکش به؛

ساحت مطہر انوار واحدہ ملکوتی و ذوات قدسی معصومین: کہ منبع فیض وجود  
باری تعالیٰ و سبب خلقت ماسوا هستند و خداوند به سبب خلقت انوار وجود ایشان بر ما  
مُنت نهاد و به ولایتشان ما را پاکیزہ گردانید.

و با تقدیمی ویژه؛

این بضاعت مزجات را به بانوی فضیلت و کرامت حضرت فاطمہ معصومہ 3 کہ  
سایہ سار عنایات ایشان پیوستہ پناہ تشنگان زلال حقیقت بودہ است اهدا می نمایم.

## تشریح و تقدیر

ستایش مخصوص خداوندی است که علو مرتبه اش به خاطر قدرت، و نزدیکی اش به مخلوقات به واسطه عطا و بخشش اوست. همو بخشنده تمام نعمت‌ها و دفع کننده تمام شداید و بلاهاست. او را می ستایم در برابر عواطف کریمانه و نعمت‌های وسیع و گسترده اش و به او ایمان می آورم چون مبدأ هستی و ظاهر و آشکار است و از او هدایت می طلبیم چون راهنما و نزدیک است و از او یاری می جویم چون توانا و پیروز است و بر او توکل می کنم چون تنها یاور و کفایت کننده است.<sup>1</sup>

دروود و سپاس بر تمام برگزیدگان الهی به ویژه پیامبر خاتم 6 و آن یگانه خلقت و مشعل هدایت که بشریت را از ظلمت جهالت رهانید و بر جانشینان برحقش ائمه طاهرین: که امتی را در صراط مستقیم الهی به سوی سعادت رهنمون شدند؛ رحمت و غفران واسعة الهی بر تمام بندگان شایسته و فرهیخته خداوند که قدم صدق در طریق حقیقت نهاده و در پرتو هدایت‌های خداوندی راه قرب الهی را پیمودند خصوصاً دو فیلسوف مسلمان ابوعلی سینا(ره) و شیخ اشراق(ره) و نیز محیی اسلام ناب محمدی در عصر حاضر حضرت امام خمینی؛ و با آرزوی طول عمر با عزت خلف صالح او و فریادگر توحید در عصر حکومت طاغوت‌ها حضرت آیه الله خامنه‌ای «دام ظلّه».

خداوند متعال را شاکرم که به این بنده عنایت فرمود تا با قلمی ضعیف و بضاعتی اندک، قدمی کوچک در جهت تبیین حقیقت هستی بردارم و در این راستا عنایات الهی مرا دعاگوی سروران معظمی کرد که وجودشان جز خیر و برکت چیزی نیست. رضای الهی را به عنوان برترین پاداش برای همه عزیزانی که از دیرباز تاکنون در امر تعلیم و تربیت کوشیده‌اند آرزومندم به خصوص اساتید گرانقدرم در حوزه علمی-ه قم، مؤسسه امام صادق 7 و دانشگاه باقرالعلوم 7 و دعای خیر حضرت ولی عصر+ را برای پدر و مادر عزیزم که تا همیشه عمر مدیون فیض وجود ایشان هستم و نیز همسر فرهیخته‌ام که در این مسیر، همراهی‌ها و از خودگذشتگی‌های فراوان کرد مسثلت دارم.

در پایان مراتب سپاسگذاری و امتنان خود را ابراز می دارم از استاد راهنما جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای دکتر **یدالله یزدان پناه** و استاد مشاور جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای دکتر **حسن معلمی** و نیز استاد گرامی آقای محمدحسین حشمت پور که بی تردید قوت‌های این رساله مرهون راهنمایی‌های ارزنده و پیشنهادات سازنده ایشان می باشد.

## چکیده

رساله‌ی حاضر در پی بررسی دیدگاه ابن سینا و شیخ اشراق در مورد مراتب هستی است. در این راستا پس از بیان کلیات رساله در فصل اول، نخست به دیدگاه شیخ الرئیس پرداخته می‌شود و بیان می‌شود که وی اساساً یک فیلسوف وجود است که با روش خاص فلسفی خود که مبتنی بر بحث و استدلال است دو اصل اساسی را نتیجه می‌گیرد؛ یکی تمایز میان وجود و ماهیت اشیاء و دیگری تمایز میان واجب و ممکن و بدین سان این اصول، زمینه‌ای می‌شوند تا با تکیه بر آنها جناب ابن سینا مراتب هستی را سامان دهد. مراتب هستی در دیدگاه او نظامی هرمی دارد که در رأس آن واجب الوجود بالذات قرار دارد که همۀ موجودات امکانی از او ناشی شده‌اند بنابراین سر سلسله هستی، صرف الوجودی است که دارای همۀ صفات کمالی و منزّه از تمام نقایص امکانی است و در مرتبه بعد، موجودات امکانی قرار دارند که همگی زوج ترکیبی از وجود و ماهیت و در نتیجه معلول هستند. ممکنات خود به دو دسته جواهر و اعراض و جواهر نیز به عقل، نفس، جسم و ماده و صورت تقسیم می‌شوند که به ترتیب شرافت، عالم عقول طولی، عالم نفوس (فلکیه و ارضیه) و عالم اجرام (فلکی و ارضی) را تشکیل می‌دهند.

فصل سوم رساله به دیدگاه شیخ اشراق می‌پردازد که در آن بیان می‌شود وی با ارائه مکتبی بدیعی که بر سه عنصر یعنی روش اشراقی، علم النفس اشراقی و متافیزیکی نوری پایه‌گذاری شده تحولی عمیق را در حوزه فلسفی به وجود می‌آورد به طوری که در آن علاوه بر پذیرش روش بحثی، شهود نیز به عنوان ابزاری مهم در فهم حقایق پذیرفته می‌شود و از طرفی دیگر مبانی فلسفی مشاء که بر محور موجود پایه‌گذاری شده بود نیز تحول پیدا کرده و همۀ هستی بر محور نور تفسیر می‌شود. سهروردی با تقسیم عالم به نور و ظلمت معتقد می‌شود که منشأ هستی را نورالانوار تشکیل می‌دهد و همۀ انوار از او پدید آمده‌اند و ظلمت نیز زائیده از جهت فقر انوار است. نگاه سهروردی به مراتب هستی اگر چه همچون ابن سینا نگاهی هرمی است که در رأس آن نورالانوار قرار گرفته که همۀ عالم اشعه‌ای از فیض او هستند اما کامیابی او در اتخاذ روش فلسفی بحثی و شهودی این قوت را به او داده است که در نظام عالم مراتبی (عالم مثل و عالم مثال) را مطرح کند که در فلسفه ابن سینا یا وجود نداشته و یا تفسیر ناصوابی از آن شده است علاوه بر اینکه مراتب مورد توافق نیز در فلسفه نوری وی تفسیر و تحلیل‌های جدی‌دی پیدا می‌کنند.

بنابراین نظام هستی به عالم نور و عالم ظلمت و عالم انوار قاهره نیز به عالم انوار طولی و عرضی، عالم انوار اسفهبندی (فلکی و انسانی) و عالم مثال (در مورد نوریت عالم مثال تردیدی وجود دارد که در رساله به آن پرداخته شده است) تقسیم می‌شود که همۀ آنها جلوه و اشعه‌ای از نور حضرت حق می‌باشند.

فصل پایانی رساله نیز عهده دار بررسی مقایسه‌ای دیدگاه این دو فیلسوف گرانقدر است که در آن ضمن بررسی جامع دیدگاه آنها بیان می‌شود که در حوزه مباحث استدلالی و بحثی، ابن سینا و در حوزه شهودی، شیخ اشراق کامیاب‌تر می‌باشد.

واژگان کلیدی: ابن سینا، شیخ اشراق، مراتب هستی، واجب تعالی، علم عنایبی، عقول، عالم مثال، ارباب انواع، عالم ماده، نور، وجود



## فهرست مطالب

- مقدمه: طرح تحقیق..... 1
- 1- بیان مسئله..... 2
- 2- علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده آن..... 3
- 3- پیشینه پژوهش..... 4
- 4- سؤال اصلی پژوهش..... 4
- 5- سؤالات فرعی پژوهش..... 4
- 6- فرضیه‌های پژوهش..... 5
- 7- پیش فرض‌های پژوهش..... 5
- 8- اهداف پژوهش..... 5
- 9- روش گردآوری..... 6
- فصل اول: کلیات..... 7
- 1-1. مقدمه..... 8
- 2-1. مکتب فلسفی و مبانی کلان لازم برای تأسیس آن..... 10
- 1- نقطه آغاز..... 11
- 2- روش خاص فلسفی و ابزارهای مورد نیاز..... 12
- 3- نظام سازوار هستی‌شناختی..... 12
- 4- توان حل مسائل جدید..... 13
- 5- بنیادهای عام فلسفی..... 13
- 3-1. مکتب مشاء..... 15

4-1. مکتب اشراق ..... 16

5-1. ابن سینا و مکتب فلسفی او ..... 18

1-5-1. زندگینامه شیخ الرئيس ..... 18

2-5-1. مکتب فلسفی ابن سینا ..... 20

1-2-5-1. منابع اندیشه ابن سینا ..... 21

6-1. شیخ اشراق و مکتب فلسفی او ..... 26

1-6-1. زندگینامه سهروردی ..... 26

2-6-1. مکتب فلسفی سهروردی ..... 28

1-2-6-1. منابع حکمت سهروردی ..... 30

**فصل دوم: مراتب هستی از دیدگاه ابن سینا**..... **Error! Bookmark not defined.**

1-2. مبانی کلی نظام فلسفی ابن سینا..... **Error! Bookmark not defined.**

1-1-2. موضوع فلسفه..... **Error! Bookmark not defined.**

2-1-2. اشتراک معنوی وجود..... **Error! Bookmark not defined.**

3-1-2. رابطه وجود و ماهیت..... **Error! Bookmark not defined.**

1-3-1-2. تمایز وجود و ماهیت..... **Error! Bookmark not defined.**

2-3-1-2. عروض وجود بر ماهیت **Error! Bookmark not**

**defined.**

3-3-1-2. اصالت وجود..... **Error! Bookmark not defined.**

4-1-2. علت و معلول..... **Error! Bookmark not defined.**

1-4-1-2. تعریف علت و معلول **Error! Bookmark not**

**defined.**

2-4-1-2. اقسام علل..... **Error! Bookmark not defined.**

3-4-1-2. مناط نیاز معلول به علت از دیدگاه ابن سینا **Error!**

**Bookmark not defined.**



- Error! Bookmark not defined.** 4-4-1-2 مجعول بالذات از دیدگاه ابن سینا
- not defined.**
- Error! Bookmark not defined.**.....تشکیک وجود 5-1-2
- Error! Bookmark not defined.**.....واجب تعالی 2-2
- Error! Bookmark not defined.**.....اثبات واجب تعالی 1-2-2
- Error! Bookmark not defined.**.....توحید واجب تعالی 2-2-2
- Error! Bookmark not defined.**.....اثبات صفات واجب تعالی 3-2-2
- Error! Bookmark not defined.**.....عینیت صفات واجب تعالی با ذات 4-2-2
- defined.**
- Error! Bookmark not defined.**.....الواجب ماهیته اثبته 5-2-2
- Error! Bookmark not defined.**.....علم الهی 6-2-2
- Error! Bookmark not defined.**.....علم الهی به ذات 1-6-2-2
- Error! Bookmark not defined.**.....علم الهی به غیر ذات 2-6-2-2
- Error! Bookmark not defined.**.....عنایت الهی 7-2-2
- Error! Bookmark not defined.**.....چگونگی صدور موجودات از واجب تعالی 8-2-2
- not defined.**
- Error! Bookmark not defined.**.....عالم عقول 3-2
- Error! Bookmark not defined.**.....صادر اول 1-3-2
- Error! Bookmark not defined.**.....عقول طولیه بعدی 2-3-2
- Error! Bookmark not defined.**.....تعداد عقول طولیه 3-3-2
- Error! Bookmark not defined.**.....عقل فعال 4-3-2
- Error! Bookmark not defined.**.....عالم نفوس 4-2
- Error! Bookmark not defined.**.....مقدمه 1-4-2

- 2-4-2. حقیقت نفس..... **Error! Bookmark not defined.**
- 3-4-2. نفوس فلکیه..... **Error! Bookmark not defined.**
- 1-3-4-2. کیفیت صدور نفوس فلکی **Error! Bookmark not defined.**
- 2-3-4-2. اثبات وجود نفس ناطقه در افلاک **Error! Bookmark not defined.**
- 3-3-4-2. غایت افلاک..... **Error! Bookmark not defined.**
- 4-4-2. نفوس ارضیه..... **Error! Bookmark not defined.**
- 1-4-4-2. اثبات وجود نفس..... **Error! Bookmark not defined.**
- 2-4-4-2. اثبات جوهریت نفس (و مغایرت آن با بدن) **Error!**
- Bookmark not defined.**
- 3-4-4-2. اثبات تجرّد نفس..... **Error! Bookmark not defined.**
- 4-4-4-2. حدوث نفس..... **Error! Bookmark not defined.**
- 5-4-4-2. ارتباط نفس و بدن..... **Error! Bookmark not defined.**
- 6-4-4-2. قوای نفس..... **Error! Bookmark not defined.**
- 1-6-4-4-2. قوای نفس نباتی..... **Error! Bookmark not defined.**
- defined.**
- 2-6-4-4-2. قوای نفس حیوانی..... **Error! Bookmark not defined.**
- defined.**
- 3-6-4-4-2. قوای نفس انسانی..... **Error! Bookmark not defined.**
- defined.**
- 7-4-4-2. بقاء نفس ناطقه..... **Error! Bookmark not defined.**
- 5-2. عالم مادّه..... **Error! Bookmark not defined.**
- 1-5-2. براهین ابن سینا بر اثبات هیولای اولی **Error! Bookmark not defined.**
- defined.**
- 1-1-5-2. برهان فصل و وصل.. **Error! Bookmark not defined.**
- 2-1-5-2. برهان قوه و فعل..... **Error! Bookmark not defined.**

- Error! Bookmark not defined.....** 2-5-2 اجرام سماوی
- Error! Bookmark not defined.** 1-2-5-2 کیفیت تکون اجرام سماوی
- defined.**
- Error! Bookmark not defined.** 2-2-5-2 احکام اجرام سماوی
- Error! Bookmark not defined.....** 3-5-2 عالم مادون قمر
- Error! Bookmark not defined.** 1-3-5-2 کیفیت تکون عالم عناصر
- defined.**
- Error! Bookmark not defined.** 2-3-5-2 احکام اجسام عنصری
- defined.**
- Error! Bookmark not defined.....** فصل سوم: مراتب هستی از منظر شیخ اشراق
- Error! Bookmark not defined.....** 1-3-1 مبانی کلی نظام فلسفی شیخ اشراق
- Error! Bookmark not defined.....** 1-1-1 روش اشراقی:
- Error! Bookmark not defined.....** 2-2-1 علم النفس اشراقی:
- Error! Bookmark not defined.....** 3-3-1 متافیزیک نوری:
- Error! Bookmark not defined.....** 1-1-3 بداهت نور
- Error! Bookmark not defined.....** 2-1-3 نسبت نور و ظلمت
- Error! Bookmark not defined.....** 3-1-3 تقسیمات نور و ظلمت
- Error! Bookmark not defined.....** 4-1-3 هویت ماهوی انوار
- Error! Bookmark not defined.....** 1-4-1-3 معقول ثانی
- Error! Bookmark not defined.....** 2-4-1-3 اصالت ماهیت
- Error! Bookmark not defined....** 3-4-1-3 هویت ماهوی انوار
- Error! Bookmark not defined.....** 5-1-3 تشکیک انوار
- Error! Bookmark not defined.....** 1-5-1-3 تشکیک در ماهیت
- Error! Bookmark not defined.....** 2-5-1-3 تشکیک در انوار
- Error! Bookmark not defined.** 6-1-3 مشاهده و اشراق و مغایرت آنها
- defined.**

- Error! Bookmark not defined.**..... 7-1-3 محبت و قهر در انوار
- Error! Bookmark not defined.**..... 8-1-3 جواز صدور مرکب از بسیط
- Error! Bookmark not defined.**..... نور الانوار 2-3
- Error! Bookmark not defined.**..... اثبات نورالانوار 1-2-3
- Error! Bookmark not defined.**..... توحید نورالانوار 2-2-3
- Error! Bookmark not defined.**..... اثبات صفات نورالانوار 3-2-3
- Error! Bookmark not defined.**..... عینیت صفات نورالانوار با ذات 4-2-3
- Error! Bookmark not defined.**..... ماهیت داشتن نورالانوار 5-2-3
- Error! Bookmark not defined.**..... علم الهی 6-2-3
- Error! Bookmark not defined.**..... 1-6-2-3 علم الهی به ذات
- Error! Bookmark not defined.**..... 2-6-2-3 علم الهی به ماسوا
- Error! Bookmark not defined.**..... 7-2-3 چگونگی صدور موجودات از نورالانوار
- defined.**
- Error! Bookmark not defined.**..... 3-3 عالم انوار قاهره
- Error! Bookmark not defined.**..... 1-3-3 انوار قاهره طولیه
- Error! Bookmark not defined.**..... 1-1-3-3 نور اقرب
- Error! Bookmark not defined.**..... 2-1-3-3 انوار قاهره طولیه بعدی
- defined.**
- Error! Bookmark not defined.**..... 3-1-3-3 تعداد انوار قاهره طولیه
- defined.**
- Error! Bookmark not defined.**..... 2-3-3 عالم انواره قاهره عرضیه
- Error! Bookmark not defined.**..... 1-2-3-3 کیفیت تکون انوار قاهره عرضیه
- defined.**
- Error! Bookmark not defined.**..... 2-2-3-3 تصویر صحیح انوار قاهره عرضیه نزد سهروردی
- Bookmark not defined.**
- ..... 1-2-2-3-3 انحصار انوار قاهره عرضیه در انواع جوهری
- Error! Bookmark not defined.**.....

- 2-2-2-3-3 مغایرت انوار قاهره عرضیه با انوار مدبره اسفهدیه  
**Error! Bookmark not defined.**  
 3-2-2-3-3 کلیت غیر مفهومی انوار قاهره عرضیه.....  
**Bookmark not defined.**  
 4-2-2-3-3 عدم خلق انوار قاهره عرضیه برای مادون ..  
**Error! Bookmark not defined.**  
 3-2-3-3 ادله انوار قاهره عرضیه  
**Error! Bookmark not defined.**  
 1- قاعده امکان اشرف:.....  
**Error! Bookmark not defined.**  
 2- نفی اتفاق.....  
**Error! Bookmark not defined.**  
 4-2-3-3 نقد سهوردی بر ابن سینا در مسأله مثل  
**Error! Bookmark not defined.**  
 4-3 عالم اشباح مجرّده.....  
**Error! Bookmark not defined.**  
 1-4-3 کیفیت تکون عالم اشباح مجرده  
**Error! Bookmark not defined.**  
 2-4-3 ادله عالم اشباح مجرّده.....  
**Error! Bookmark not defined.**  
 3-4-3 نوری بودن عالم مثال از دیدگاه سهوردی  
**Error! Bookmark not defined.**  
 5-3 انوار اسفهدیه.....  
**Error! Bookmark not defined.**  
 1-5-3 حقیقت نور اسفهد.....  
**Error! Bookmark not defined.**  
 2-5-3 اقسام انوار اسفهدیه و اثبات آنها  
**Error! Bookmark not defined.**  
 3-5-3 کیفیت تکون انوار اسفهدیه.....  
**Error! Bookmark not defined.**  
 4-5-3 حدود انوار اسفهدیه.....  
**Error! Bookmark not defined.**  
 5-5-3 ارتباط نور اسفهد و بدن.....  
**Error! Bookmark not defined.**  
 6-5-3 قوای نور اسفهد.....  
**Error! Bookmark not defined.**  
 7-5-3 بقای نور اسفهد.....  
**Error! Bookmark not defined.**  
 6-3 عالم برازخ.....

فصل چهارم: مقایسه دیدگاه ابن سینا و شیخ اشراق. Error! Bookmark not defined.

1-4. مبانی کلی. Error! Bookmark not defined.

2-4. واجب تعالی. Error! Bookmark not defined.

3-4. عالم عقول. Error! Bookmark not defined.

4-4. عالم مثال. Error! Bookmark not defined.

5-4. علم النفس. Error! Bookmark not defined.

6-4. عالم ماده. Error! Bookmark not defined.

فهرست منابع. Error! Bookmark not defined.



مقدمه:

# طرح تحقیق

## 1- بیان مسئله

از همان آغاز حیات انسان بر زمین، شناخت کنه عالم مادی و شناخت عوالم فوق مادی و در رأس همه حضرت حق از دغدغه‌های بشر بوده است و نوعاً مکاتب بسط یافته مانند مشاء و اشراق، موجودات هستی را به صورت دستگاه سازوار هستی‌شناختی مورد بررسی قرار می‌دهند، از این رو بحث مراتب هستی و چینش نظام هستی از دغدغه‌های مهم ابن سینا و شیخ اشراق به عنوان نمایندگان اصلی مکتب فلسفی مشاء و اشراق می‌باشد.

رساله حاضر می‌کوشد توضیح دهد که چگونه این دو فیلسوف عظیم الشان با مبانی فلسفی خاص خود که یکی مبتنی بر وجود و دیگری مبتنی بر نور است نظام هستی را سامان می‌دهند؛ از طرف دیگر مشرب متفاوت فلسفی ایشان که یکی بر بحث و استدلال و دیگری بر ذوق و شهود تأکید می‌کند می‌تواند ما را به رهیافت‌های متفاوت این دو فیلسوف در تبیین نظام عالم و مراتب هستی رهنمون کند لذا رساله حاضر در تلاش است گزارشی جامع از دیدگاه ابن سینا و سهروردی در مورد چینش نظام هستی ارائه کرده و تفاوت‌ها و اختلافات آنها را در این رابطه توضیح دهد و به گونه‌ای مقایسه‌ای نظریه آنها را مورد بررسی قرار دهد و به عبارت دیگر این پایان‌نامه در پی بررسی نظام فلسفی ابن سینا و شیخ اشراق در مورد مراتب هستی می‌باشد یعنی می‌خواهد بررسی کند که ابن سینا و شیخ اشراق به عنوان دو فیلسوف مسلمان و صاحب مکتب چه پاسخی به حسّ جستجوگر انسان در مورد هستی و مراتب موجودات می‌دهند و تلاش آنها در چینش نظام هستی در مقایسه با هم چقدر کامیاب است. لازم به ذکر است که رساله حاضر عمدتاً به گزارش و توصیف دیدگاه این دو در مورد مراتب



هستی می‌پردازد و در این راستا اگرچه به عنوان نمونه استدلالی نیز ذکر می‌شود اما ذکر تفصیل ادله و استقصای همه موارد ضرورتی ندارد.

## 2- علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده آن

بحث از مراتب هستی در واقع کنکاشی در عالم هستی و شناخت وسایط فیض الهی است. دغدغه تبیین جایگاه مخلوقات در نظام هستی و چگونگی ارتباط آنها با حضرت حق به عنوان سرسلسله هستی از اموری است که در فلسفه ابن سینا و شیخ اشراق مطرح شده و نگاه کلان به مکاتب فلسفی و مقایسه آنها می‌تواند ما را در فهم بهتر فلسفه‌ها و چگونگی نگاه فیلسوفان به مراتب هستی و ارتباط مراتب با یکدیگر مدد دهد لذا می‌طلبد تا دیدگاه این دو فیلسوف گرانقدر که دغدغه حل مسائل دینی و خاصه در مباحث ما ارائه تبیینی صحیح از جایگاه وجودی مخلوقات و ترتیب آنها و نیز جایگاه سرسلسله کائنات که همه عالم شأنی از شئون اویند را داشتند مورد بررسی قرار دهیم.

این بررسی اولاً موجب آشنایی انسان با جهان پیرامون خود و عظمت آن گشته و در نهایت تقرّب به حضرت حق را در پی خواهد داشت چون به هر حال ابن سینا و شیخ اشراق دو فیلسوف مسلمان بودند و همه تلاش آنها تبیین چگونگی ارتباط نظام هستی با خالق پر عظمت آنها بوده است و ثانیاً نشان داده می‌شود که شیخ الرئیس و سهروردی چگونه مراتب هستی را سامان داده‌اند و کاستی‌های آنها چیست. از طرف دیگر به یقین فهم حکمت متعالیه صدرایی بدون درک عناصر مشائی و اشراقی آنها میسر نیست علاوه بر آنکه حکمت اشراق یکی از مکاتب بزرگ فلسفه اسلامی و حلقه واسطه بین مشاء و متعالیه است که عمدتاً مورد غفلت واقع می‌شود در حالی که نزدیک به پنج قرن یکی از دو جریان بزرگ حکمت اسلامی بوده است. لذا بررسی آن از دو جهت حائز اهمیت خواهد بود اولاً آشنایی با فلسفه مشاء و مقدار کناره گرفتن شیخ اشراق از ایشان و ثانیاً فهم حکمت متعالیه و میزان استفاده آن از حکمت اشراق.

علت انتخاب این موضوع علاوه بر نکات مذکور، دغدغه شخصی و علاقه اینجانب به

این موضوع و عدم وجود رساله‌ای با این عنوان که به گونه‌ای نظام‌مند دیدگاه این دو فیلسوف در مورد مراتب هستی را بررسی کند بوده است.

### 3- پیشینه پژوهش

با توجه به تحقیقاتی که اینجانب کرده‌ام و با اطلاعاتی که از معاونت پژوهش گرفته شده موضوعی با این عنوان یافت نشد اما این بحث به طور خیلی خلاصه در حد چند صفحه در کتب تاریخ فلسفه یا برخی از مقالات آن هم به طور مقایسه‌ای وجود دارد و نیز پایان‌نامه‌هایی وجود دارد که به برخی از مباحث مثلاً عالم مثل یا مثال و... پرداخته و آن نیز مثلاً از دیدگاه یکی از این دو شخصیت و به طور مختصر مثلاً اشاره‌ای به نظر ابن سینا و سهروردی.

### 4- سؤال اصلی پژوهش

سؤال اصلی که این پژوهش به دنبال آن است این می‌باشد که:  
«مراتب هستی از دیدگاه ابن سینا و شیخ اشراق چگونه سامان یافته و اشتراکات و افتراقات آنها چیست؟»

### 5- سؤالات فرعی پژوهش

- 1- ابن سینا و شیخ اشراق بر چه اساس و مبنایی مراتب هستی را سامان می‌دهند؟
- 2- رابطه مراتب با یکدیگر در هر یک از این دو دیدگاه چگونه است؟
- 3- روند پیدایش مراتب از یکدیگر در این دو دیدگاه چگونه است؟
- 4- کارکرد هر یک از مراتب هستی در این دیدگاه چیست؟
- 5- ابن سینا علم عنایی را چگونه تصویر کرده و موضع شیخ اشراق در این رابطه چیست؟
- 6- دیدگاه ابن سینا و شیخ اشراق در مورد عقول طولیه و عرضیه چیست؟
- 7- جایگاه عالم مثال در چینش هستی‌شناسانه اشراقی چیست و دیدگاه ابن سینا در این

رابطه چیست؟

8- ابن سینا و شیخ اشراق در مورد عالم ماده چه دیدگاهی دارند؟

### 6- فرضیه‌های پژوهش

برخی<sup>1</sup> بر این عقیده‌اند که حکیم سهروردی در فلسفه جز تغییر در اصطلاحات کار دیگری نکرده است و بر این اساس، چندان اختلاف و افتراقی با مشاء ندارد در مقابل گروهی برآنند که جناب شیخ اشراق در عین آن که از بستر مشائی بهره می‌برد و خود در ابتدا مشائی بوده است اما به طور روشن از این مکتب جدا شده و مکتبی مستقل را تدوین کرده که در آن برخی از مراتب هستی را افزوده و برخی از مراتب موجود در فلسفه مشاء را منتفی دانسته و نیز مراتب مورد اتفاق هم در دستگاه نوری اشراقی او تفسیر و تحلیل جدید و مستقلاً پیدا می‌کند. به نظر می‌رسد دیدگاه دوم صائب‌تر باشد به این معنا که ابن سینا و شیخ اشراق در مورد مراتب هستی و چگونگی تبیین آنها اختلافات و اشتراکاتی دارند که این امر نیازمند تأمل و تحقیق و بررسی است که این رساله در پی آن می‌باشد.

### 7- پیش فرض‌های پژوهش

واقعیت یک حقیقت ضروری و غیر قابل انکار است و لذا مکتب شک‌گرایی و سفسطه باطل است و ما می‌توانیم به واقعیت و حقیقت هستی آن گونه که هست به قدر سعه وجود خود دست پیدا کنیم لذا بنا نداریم به تردیدها و مناقشات برخی فلاسفه غرب و شرق در حوزه معرفت‌شناسی پاسخ دهیم و از طرف دیگر اینکه دو مکتب فلسفی مشاء و اشراق دو مکتب هستی‌شناختی بسط یافته‌اند که طبیعتاً عمده مباحث فلسفی ابن سینا و شیخ اشراق به عنوان نمایندگان این دو مکتب و مبانی آنها به بحث مراتب هستی و تبیین آنها مربوط است.

### 8- اهداف پژوهش

هر انسانی دوست دارد جهان پیرامون خود و جایگاه وجودی خویش را بازشناسد و این

1 - مانند ابن کمونه و مرحوم آیت الله الهی قمشاهی؛ به نقل از: حسن حسن‌زاده آملی، هزار و یک نکته، تهران: رجاء،

مسأله یکی از مباحث اختلافی بین متکلمین، فلاسفه و عرفاء است و شخصیت‌های مطرح این علوم نیز در این مسأله، تفاوت‌هایی دارند بنابراین اهداف این پژوهش و ضرورت‌های خاص آن را می‌توانیم در این موارد خلاصه کنیم:

1- با بررسی دیدگاه ابن سینا و شیخ اشراق در مورد مراتب هستی، جایگاه وجودی مخلوقات و ترتیب نظام هستی و وسائط فیض الهی در عالم، دیدگاه این دو فیلسوف اسلامی به عنوان شاخص‌ترین نمایندگان مکتب مشاء و اشراق روشن می‌گردد علاوه بر اینکه با مقایسه آنها کاستی‌ها و سیر رشد تفکر فلسفی و تلاش فیلسوفان مسلمان و مقدار موفقیت آنها روشن می‌گردد.

2- اگر ما این عالم را تفصیل آن حقیقت بسیط من جمیع الجهات بدانیم آشنایی با هر مرتبه‌ای از وجود و هر موجودی، تقرّب بیشتر به حضرت حق را ناشی می‌گردد و این آگاهی، شوق و عشقی وصف‌ناپذیر را به آن ذات نامتناهی و سرسلسله هستی موجب می‌شود.

3- این پژوهش آثار عمیق اعتقادی و هستی‌شناسی دارد زیرا پذیرش هر دیدگاه موجب تغییر در جهان‌بینی و بینش فکری شخص می‌شود.

4- ضرورت دیگر پرداختن به این موضوع، عدم وجود پژوهشی به این وسعت و به طور مقایسه‌ای است که می‌طلبد این کاستی جبران شود.

## 9- روش گردآوری

روش گردآوری اطلاعات و محتوای تحقیق، کتابخانه‌ای و استفاده از مکتوبات دو حکیم مسلمان یعنی ابن سینا و شیخ اشراق و نیز توجه به کتب شارحان این دو مکتب فلسفی است. علاوه بر اینکه استفاده از محضر اساتید فلسفه و حکمت نیز در این راستا سهم بسزایی دارد.



فصل اوّل:

# کلیات

## 1-1. مقدمه

فلسفه مولود نگرش عقل آدمی به اصل وجود و دریافت و شناخت مبادی اولی در آن است؛ آدمی با چراغ عقل که پرتوی است از نور باری تعالی به قلمرو ناشناخته وجود قدم می نهد، به تتبع در احوال موجودات می پردازد تا به درک حقایق آنها نائل آید و سلسله علل را بشناسد و این کتاب بی انتها را صفحه به صفحه ورق می زند تا به *علة العلل* که هر چیز از او و برای اوست برسد. سپس باز می گردد و به تحلیل عناصر و طبایع می پردازد تا پرده از حقیقت جواهر و اعراض بردارد و به تقسیم و ترتیب حقایق می پردازد تا آنگاه که صورت روشنی از عالم وجود برای او حاصل شود و کیفیت انسجام اشیاء را در ذات خود و آنچه خارج از ذات اوست را تفسیر و توجیه کند.<sup>1</sup>

فلسفه چیزی جز انعکاس غریزه جستجوگر انسانی نیست؛ غریزه ای که از گهواره تا گور در وجود اوست و لذا هر جا انسانی گام نهاده تعقل و تفکر را با خود همراه آورده است و البته از اندیشه های نانوشته بشر، اطلاعات متقن و دقیقی در دست نیست جز آنچه که باستان شناسان بر اساس آثاری که از حفاریها به دست آمده است حدس می زنند اما اندیشه های مکتوب اعم از فلسفی و غیر فلسفی از این قافله بسیار عقب مانده و طبعاً تا زمان اختراع خط به تأخیر افتاده است.<sup>2</sup> این افکار به مرور زمان، شکل منظمی به خود گرفت و تابع رشته مستقلی شد و

---

1 - حنا الفاخوری، خلیل العجر، *تاریخ فلسفه در جهان اسلامی*، عبدالمحمد آیتی، پنجم تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، 1377، ص 3.

2 - جمعی از نویسندگان، *تاریخ فلسفه اسلامی*، اول، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، 1385، ص 19.

آدمی توانست آن افکاری را که در مورد عالم هستی و انسان بود را در مجموعه واحدی گردآوری کند که نام آن فلسفه است. بنابراین پیدایش مسائل فلسفی با پیدایش بشر همراه بوده است و از وقتی انسان به گیتی پا نهاده است به عظمت هستی اندیشیده و کمتر انسانی را می توان سراغ گرفت که در مورد عالم پیرامونش فکر نکرده باشد و از همان آغاز حیات انسان بر زمین شناخت کنه عالم ماده و عوالم فوق ماده و چگونگی راهیابی به آن عوالم از دغدغه های بشر بوده است اما تنظیم و تبویب اندیشه های فلسفی و پیدایش مکاتب فلسفی در دوره تاریخی معینی به وقوع پیوسته است که عمده آن را در حکمت یونان و ایران و هند و مصر می توان سراغ گرفت. ظهور دین اسلام و توجه آن به عقل و استدلال باعث شد کم کم فلسفه، رنگ و بوی اسلامی به خود بگیرد و به همین دلیل:

*«مسلمانان با دست یافتن به فلسفه و قسمت عمده ای از علوم یونانیان و ایرانیان و هندیان که در دسترس ایشان قرار گرفته بود رفته رفته به ایجاد چشم اندازهای عقلی خاصی پرداختند که از همان زمان تاکنون بر افق تمدن و فرهنگ اسلامی تسلط دارد؛ چشم اندازهای گوناگون عقلی پس از گذشت چند قرن غذایی را که میراث عظیم جهان قدیم فراهم آورده و به زبان عربی آمده بود را با نظریات اسلامی در هم آمیخت و جذب کرد و از این میان مکاتب مختلف علم و هنر و فلسفه تأسیس شد.»<sup>1</sup>*

از سوی دیگر در میان خود فلاسفه نیز راههای دستیابی به حقیقت متنوع شد، برخی بیشتر بر راه دل و شهود تأکید داشتند و برخی بر عقل و استدلال و بدین سان فیلسوفان مسلمان، میراث عظیم گذشتگان را با آموزه های اصیل اسلامی درآمیختند و مکاتب فلسفی مشاء و اشراق و حکمت متعالیه را تدوین کردند تا به قدر وسع خود به حل معمای عالم وجود و کشف اسرار آفرینش و معرفت حضرت حق پردازند؛ به همین لحاظ می توان گفت

---

1 - سید حسین نصر، سه حکیم مسلمان، احمد آرام، پنجم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، 1382، ص 6.

یکی از اهداف اصلی علم و فلسفه، حل مسأله غامض خلقت عالم و کیفیت صدور موجودات از باری تعالی می باشد و همه فلاسفه برای وصول به این هدف، سعی بلیغی کرده اند تا در پرتو دانش و حکمت خویش در راه شناختن خالق و مخلوق و مراتب هستی گامی به پیش نهند و به راستی عقاید و نظرات آنها در این باب، حائز اهمیت بوده و راهنمای سالکان طریقت و جویندگان حقیقت می باشد. شیخ الرئیس و شیخ اشراق از جمله فیلسوفان دارای مکتب و نظام فلسفی هستند که به این مسأله، توجهی خاص مبذول داشته اند و در آثار خود به آن پرداخته اند لذا مقدمتاً باید مفهوم مکتب، نظام و تفاوت آنها را توضیح داده و فیلسوفان نظام ساز و صاحب مکتب اسلامی را معرفی کنیم تا اولاً اهمیت پرداختن به ابن سینا و شیخ اشراق روشن شود و ثانیاً فضای کلی تحقیق دارای چشم اندازی مناسب گردد.

## 1-2. مکتب فلسفی و مبانی کلان لازم برای تأسیس آن<sup>1</sup>

شاید مکتب، اطلاعات متعددی داشته باشد اما در این رساله مراد از آن، مجموعه شرایط، مقدمات و مبانی ای است که اگر فراهم شوند هویت جدیدی را تشکیل می دهند که به آن مکتب گفته می شود. مکتب به عنوان الگویی در رسیدن به نتایج قطعی در یک شاخه از علم است و به تعبیری دیگر مکتب، خط مشی ای است در رسیدن به نتایج قطعی در یک علم به گونه ای که هر متفکری که از این الگو و خط مشی، پی روی کند به عنوان پیرو آن مکتب شناخته می شود به عنوان مثال مکتب مشاء، اشراق و حکمت متعالیه هر کدام دارای مجموعه تعالی م و عناصری هستند که در حوزه فلسفه، الگوی متفکران قرار می گیرند، مکتب مشاء تنها راه رسیدن به واقع را استدلال عقلی و مکتب اشراق علاوه بر آن بر شهود نیز تأکید می کند.

پیش از توضیح مطلب باید گفت که ما در این بحث به دنبال تبیین مکتب فلسفی مشاء و اشراق هستیم و لذا سعی خواهیم کرد که توضیحات خود را با تطبیق بر این دو مکتب فلسفی (و البته آراء ابن سینا و شیخ اشراق به عنوان نمایندگان این دو

---

1 - رجوع شود به: یدالله یزدان پناه، درس های حکمت متعالیه، جزوه چاپ نشده؛ عبدالرسول عبودی، درآمدی به نظام حکمت صدرایی، ج 1، اول، تهران: مؤسسه امام خمینی، 1385، ص 13-20 و ص 53-70



مشرَب) تکمیل نمایی. مدعا این است که مکتب مشاء و اشراق دارای نقطه آغاز، روش خاص فلسفی، ابزارهای لازم برای وصول به مقصود و دستگاه ساز و ارهستی شناختی هستند که با دقت در مجموعه تعالی م آنها هم می توان این عناصر را یافت و هم می توان تحلیل کرد که چرا به آنها مکتب فلسفی گفته می شود و وجه تمایز آنها از یکدیگر چیست. عناصر و اصول بنیادی تشکیل دهنده مکتب و مشرب فلسفی عبارتند از:

### 1- نقطه آغاز

همانگونه که هر علمی نیازمند موضوع است تا مسائل آن علم بر حول محور آن موضوع واحد گردآیند و آن شاخه از علم را از علوم دیگر متمایز کند همی منظور مکتب فلسفی نیز نیازمند نقطه آغاز هست تا در بحث های فلسفی خود بر حول و محور آن تمرکز کند به طوری که با نگاهی به آن بتوان محتوای اندیشه و طریقه فکری صاحب مکتب را تشخیص داد مثلاً ابن سینا به عنوان رئیس المشائین برای تبیین نظام فلسفی خود، نقطه شروع را وجود و موجود قرار داده است به طوری که تمام مباحث فلسفی او بر حول و محور این موضوع می چرخد چنانکه او خود، وجود را به واجب و ممکن و موجود ممکن را به جوهر و عرض تقسیم کرده است و یا اینکه موجود را به مادی و مجرد، علت و معلول، قدیم و حادث و... تقسیم می کند و نیز در بحث مراتب هستی که موضوع این رساله است آن را با نگاهی وجودی بررسی کرده است و لذا همانطور که خواهد آمد اساساً مفهوم وجود را امری بدیهی می داند که به تعریف در نمی آید و بدین لحاظ شایسته است که به عنوان سرآغاز ابحاث فلسفی قرار گیرد؛ مکتب اشراق نیز دارای عنصر بنیادی نقطه آغاز می باشد، سهروردی به عنوان مؤسس این مکتب، نفس را که به عقیده وی جوهری نوری است به عنوان مبدأ آغاز فلسفه خود و کلید فهم حکمت اشراق قرار می دهد و با بحث از نفس، مراتب هستی و نظام نوری خود را سامان می دهد و سپس در همین مراتب، جایگاه نفس را مشخص می کند.

## 2- روش خاص فلسفی و ابزارهای مورد نیاز

یکی مکتب فلسفی باید در ابحاث فلسفی خود، روش خاص و معینی داشته باشد و بر اساس آن به تبیین مبانی و اصول خود پردازد و نیز با تکیه بر آن روش، ابزارهای لازم برای وصول به مقصود را دارا باشد به طوری که مکتب این قابلیت را داشته باشد که مطابق با نیاز، آن ابزارها و مبانی را بسط و گسترش دهد. مکتب مشاء و اشراق از این خصیصه هاهم خالی نیستند مثلاً مشاء فلسفه را دانشی عقلی می داند که باید از روش برهانی در آن بهره گرفت یعنی برای پی بردن به حقیقت اشیاء، یگانه راه یقینی، استدلال برهانی است اما مکتب اشراق ضمن تأیید روش بحثی و استدلالی آن را در رسیدن به حقایق و تبیین مباحث فلسفی ناکافی می داند و معتقد است که در طریق کشف حقایق و وصول به متن واقع، روش اشراقی و شهودی مصیبت تر از استدلال است. بنابراین می توان گفت که فلسفه ابن سینا، بحثی و حکمت سهروردی، شهودی و بحثی است.

## 3- نظام سازوار هستی شناختی

یکی دیگر از امور لازم در تحقق مکتب فلسفی این است که مکتب (علاوه بر این که دارای نقطه آغاز، روش خاص و ابزار و مبانی لازم برای حل مسائل است) توانسته باشد به صورت یک نظام سازوار هستی شناختی درآمده باشد به طوری که علاوه بر انسجام و سازگاری درونی، گسترش همه جانبه پیدا کرده باشد یعنی به تمام مسائل پردازد و در سطحی هر چند کلی در همه مباحث فلسفی، صاحب رأی باشد و در یک کلام هم در مسائل خرد اظهار نظر کند و هم در حوزه کلان بتواند صورتی کلی از جهان هستی ارائه کند که این پایان نامه، رسالتش تبیین همین بحث است که مکتب فلسفی مشاء و اشراق دارای دستگاه سازوار هستی شناختی هستند به طوری که با تکیه بر مبانی و انسجام تحسین برانگیز خود، مراتب هستی را سامان داده اند.

#### 4- توان حل مسائل جدید

یکی دی‌گر از ویژگی‌های مکتب فلسفی، توان حل مسائل جدیدی است که با آن روبرو می‌شود یعنی می‌تواند با تکیه بر اصول و مبانی و روش خاص فلسفی خود، مسائل جدید را تجزیه و تحلیل کند به عنوان نمونه مکاتب مشاء و اشراق این قابلیت را دارند که به بسیاری از بحث‌های فلسفه‌های مضاف پاسخ دهند به این معنا که می‌توان با توجه به آثار فیلسوفان صاحب مکتبی چون ابن سینا و سهروردی، موضع آنها را در این ابحاث جدید، مشخص کرد.

#### 5- بنیادهای عام فلسفی

دارا بودن اصول و بنیادهای عام فلسفی یکی دی‌گر از ویژگی‌های مکتب به شمار می‌رود به این معنا که هر یک از مکاتب فلسفی به فراخور نظام فلسفی و روش خاص خود از یکدسته قواعد و بنیادهای عام در جهت تحکیم فلسفه خود بهره برده‌اند. از جمله اصول و بنیادهای عامی که فیلسوف صاحب مکتبی چون ابن سینا در فلسفه مشاء برای ارائه و تبیین آراء خود استفاده کرده می‌توان به اصالت وجود، تشکیک، مجعولیت وجود، قاعده الواحد و... اشاره کرد و از جمله بنیادهای عام فلسفه اشراق که سهروردی آنها را مبنا قرار داده است می‌توان به علم النفس، وحدت انوار، تشکیک انوار، مناسبات خاص بین انوار مانند مشاهده و اشراق، غلبه و قهر و.. اشاره کرد که توضیح و مستندات این موارد در این رساله خواهد آمد.

در این قسمت، بی‌مناسب نیست که بگوییم بسیاری از این اصول و مبانی از ارکان اساسی و جان مایه حکمت صدرایی می‌باشد که همراه با عناصر و مؤلفه‌ها و نتایج خاصی که صدرای بر آنها متفرع کرده است نظام فلسفی با شکوهی را تشکیل داده است؛ ملاصدرا با فهم و ذکاوت خاص خود آثار علمی گذشتگان را در دستگاه فلسفی خود هویت جدید بخشید به طوری که توانست نتایجی را بر این اصول، متفرع کند که فلاسفه گذشته از آنها غافل بودند اما باید توجه داشت که این بدان معنا نیست که این عناصر، اصلاً در

آثار فلاسفه گذشته مطرح نبوده باشند بنابراین وقتی مکتب جدیدی مثل متعالیه شکل می‌گیرد اینگونه نیست که تمامی مباحث و اصولش جدید باشد بلکه گفتی مکتب در عین استفاده از مبانی گذشتگان از یک سری خصوصیات بهره می‌گیرد که سرجمع آنها مکتب جدید را شکل می‌دهد. بر این اساس خواهی دید که اصالت وجود، مجعولیت ذاتی وجود و حتی امکان فقری در آثار شیخ الرئیس وجود دارند.

نکته دیگری که باید توضیح داده شود این است که در یک مکتب فلسفی با فیلسوفی مواجه هستیم که به علت قوت علمی و کثرت آثار، صاحب مکتب و نظام‌ساز به شمار می‌رود به طوری که با درک آراء و اندیشه‌های او می‌توان به راحتی اندیشه فیلسوفان دیگر این مشرب فلسفی را درک کرد. فیلسوفان صاحب مکتب و نظام‌ساز، دستاوردهای فلسفی مکاتب متفاوت را گزینش نموده و با جرح و تعدیل‌های خود آنها را بازسازی کرده و عقلانی می‌سازند و به آنها صبغه جدیدی می‌بخشند و هویت تازه‌ای را تشکیل می‌دهند و با وجود آنها است که مکتب فلسفی سربر می‌آورد و رخ می‌نماید؛ قدر مسلم این است که ما در فلسفه اسلامی با سه مکتب مشاء، اشراق و حکمت متعالیه روبرو هستیم که توسط ابن سینا، سهروردی و صدرالمتهلین رخ نموده‌اند و حقیقتاً این سه شخصیت مسلمان شایسته عنوان فیلسوف نظام‌ساز و صاحب مکتب هستند و با مطالعه اندیشه‌های ایشان می‌توان عمده مباحث جاری این سه مکتب را دریافت کرد.

فیلسوفان نظام‌ساز خود در بند معرفی نظام فلسفی خویش نیستند؛ آنها غالباً انبوهی از مطالب را در آثاری متعدد در نظم و نسقی ابتدائی ارائه می‌کنند و به دلیل اینکه خود را با مخاطبانی روبرو می‌دانند که هم صاحب نظرند و هم از اطلاعات وسیع فلسفی برخوردارند بیشتر به اثبات مدعیات فلسفی و نه تصویب آنها اهتمام می‌ورزند و در نتیجه در نگاه اولیه، نظام فلسفی منسجم و سازوار هستی‌شناختی آنها روشن نمی‌شود.

با این اوصاف، کسی که به معرفی نظام فلسفی آنها می‌پردازد اولاً باید مسائل اصلی را که مقوم نظامند از مسائل فرعی تفکیک کند و به اصول بپردازد و ثانیاً بیشتر به تصویر مدعیات

و توضیح آنها بپردازد تا به اثبات و استدلال بر آنها و ثالثاً مخاطبان غیر صاحب نظر را هم مد نظر قرار دهد که در این صورت معرفی نظام فلسفی فیلسوف با موفقیت روبرو خواهد شد و اگر این نظام با نظام متفاوت دیگری مقایسه شود این تصویر وضوح بیشتری به خود می گیرد و نقاط اشتراک و افتراق آنها هم بهتر روشن می شود. با این توضیحات روشن شد که در سنت فلسفی عقلی اسلامی با سه مکتب فلسفی روبرویم و نیز روشن گشت که چرا از بین نظام های مختلف فلسفی، نظام فلسفی ابن سینا و شیخ اشراق انتخاب شده است؛ ابن سینا و شیخ اشراق صاحبان مکتب صاحبان مکتب فلسفی مشاء و اشراق هستند که هنوز هم آراء آنها مورد بحث و بررسی است. لذا می طلبد که ابتدائاً مکتب مشاء و اشراق توضیح داده شوند:

### 1-3. مکتب مشاء

مقصود از مکتب مشاء همان فلسفه ای است که به وسیله ارسطو (322-384 قبل از میلاد) در یونان بنیان گرفت و بزرگترین نماینده آن در تمدن و فرهنگ اسلامی، ابن سینا است.<sup>1</sup> لفظ مشاء مانند کلمه اشراق که بیانگر روش مکتب اشراق است نوع نگرش و شیوه مشاء را بیان نمی کند و صرفاً نامگذاری است زیرا مشاء به معنای راه رونده است و به دلیل اینکه ارسطو عادت داشت در حال قدم زدن و راه رفتن افاده و افاضه کند به او و پیروانش مشاء گفته شد.<sup>2</sup>

فلسفه مشاء حکمتی است که مشخصه بارز آن استدلال و اعتنای به عقل و برهان است و اساس آن همان دانایی در پرتو حکمت نظری و پرورش ذوق استدلالی در حوزه علم و رسیدن از عقل بالقوه به عقل بالفعل است که جز از طریق کسب معلومات نظری و اکتساب تصورات و تصدیقات علمی به دست نمی آید و به عبارت دیگر فلسفه برای مشاء نوعی

---

1 - محمد خوانساری، *ابن سینا و حکمت مشایی*، ص 145، فلسفه در ایران، مجموعه مقالات فلسفی، سید جلال الدین مجتبیوی، بی جا، بی تا.

2 - مرتضی، مطهری، *مجموعه آثار*، جلد 5، اول، تهران: صدرا، 1371، ص 140.

هستی‌شناسی عقلی است<sup>1</sup> که در آن تنها می‌توان از طریق تفکر و استدلال به حقیقت رسید و اعیان موجودات را آن گونه که هستند شناخت. ابن سینا در تعریف فلسفه می‌گوید:

«حکمت، استکمال نفس است در پرتو تصور امور و تصدیق به حقایق نظری و عملی به قدر طاقت انسانی»<sup>2</sup>

بنابراین در فلسفه مشاء، تکیه فقط بر معرفت محض عقلی و شناخت حقایق از راه استدلال صرف است و به طور طبیعی در قلمرو آن مباحث علم تجربی و بینش‌های استقرایی بیش از مکتب اشراق مورد توجه قرار می‌گیرد.

#### 1-4. مکتب اشراق

مقصود از مکتب اشراق همان فلسفه‌ای است که به وسیله افلاطون در یونان بنیان گرفت و مؤسس فلسفه اشراق در عالم اسلام شیخ شهاب الدین سهروردی است. لفظ اشراق که به معنای تابش نور است افاده‌کننده روش اشراقی است. اشراقیین معتقدند که تنها با نیروی استدلال و برهان عقلی نمی‌توان حقایق جهان را کشف کرد و در کنار استدلال بحثی بر مجاهده و سلوک قلبی و تصفیة نفس نیز تأکید می‌کنند.<sup>3</sup> حکمت اشراق حکمتی است مبتنی بر مکاشفه ذوقی و مشاهده وجدانی و ظهور و امعان حضوری و تجلی انوار عقلی بر نفوس در حال تجرد و وارستگی<sup>4</sup> و غایت آن، وصول به معرفت و شهود حقایق است نه فقط حصول معرفت و صرف دانستن واقعیات همانگونه که مشاء این طور بود. این معنا از جای جای عبارات شیخ اشراق به دست می‌آید:

1 - عبدالرسول عبودیت، درآمدی به نظام حکمت صدرای، پیشین، ص 62.

2 - ابوعلی سینا، *عیون الحکمه*، تحقیق عبدالرحمن بدوی، دوم، بیروت: دارالقلم، 1980م، ص 16.

3 - مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج 5، پیشین، ص 148-140.

4 - غلامحسین، ابراهیمی دینانی، *شعاع اندیشه و شهود در فلسفه سهروردی*، چهارم، تهران، حکمت 1376، ص 24.

«مادامی که تو نوری ساطع نشود تا ظلمت را برطرف کند و تو را به  
عالم عقول متصل کند بهره‌ای از حکمت نبرده‌ای»<sup>1</sup>

و در جای دیگر می‌گوید:

«همان طور که اگر سالک، قوهٔ بحث نداشته باشد ناقص است کسی که  
اهل بحث است هم اگر همراه بحث، شهود آیات ملکوتی نداشته باشد  
ناقص است و کلامش غیر معتبر است.»<sup>2</sup>

بنابراین شهود در دستگاه معرفتی اشراق که ما آن را با شیخ اشراق می‌شناسیم در کنار  
استدلال قرار می‌گیرد و سلوک قلبی بر سلوک عقلی مقدم می‌شود چرا که به قول سهروردی:

«فکر بعد از ذکر باشد و ذکر را تأثیر عظیم است.»<sup>3</sup>

و خلاصه‌ای نکه:

«فیلسوف اشراقی به جای جهان و قلمروهای خارج از خود، بیشتر به  
جهان باطن و اقلیم‌های درون و اعماق و ژرفاهای خویش یعنی نفس  
می‌پردازد. او نه به جغرافیا که به قلمروهای باطن، نه به تاریخ که به  
احوال ضمیر و اسطوره‌های اولین و قصه‌های پیشین، نه به نجوم اجسام  
آسمانی و جرمانی که به افق‌های سلوک روحانی و ترصد افلاک  
عقلانی و احوال نورانی قلب خویش دلبسته است.»<sup>4</sup>

---

1 - شهاب الدین سهروردی، مجموعه مصنفات، جلد 1، تصحیح هانری کربن، سوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1380، ص 192.

2 - همان، ص 361.

3 - سهروردی، مجموعه مصنفات، ج 3، تصحیح سید حسین نصر، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1380، ص 397.

4 - میثاق امیرفجر، تفاوت دو فلسفه مشاء و اشراق، اول، مجید، 1375، ص 19.

## 1-5. ابن سینا و مکتب فلسفی او

### 1-5-1. زندگینامه شیخ الرئيس<sup>۱</sup>

حکیم ابوعلی سینا ملقب به شیخ الرئيس و حجة الحق در ماه صفر سال 370 ه.ق (980 م) در روستای افشنه در حوالی بخارا پایتخت سامانیان به دنیا آمد. پدرش عبدالله از اهالی بلخ و از والیان دولت سامانی و عضو فرقه اسماعیلیه و مادرش زنی به نام ستاره بوده است. او از معدود فیلسوفانی است که زندگینامه خود نوشت دارد که بعدها توسط شاگرد و مرید وفادارش ابوعبید جوزجانی تکمیل شد. ابن سینا در همان اوان کودکی به فراگیری علم و دانش پرداخت به طوری که خیلی زود نبوغ و استعداد او پدیدار گشت؛ وی در ده سالگی همه قرآن را حفظ کرد و ادبیات عرب را فرا گرفت و آن گاه به فراگیری منطق و ریاضی نزد ابو عبدالله ناتلی پرداخت و هنوز به شانزده سالگی نرسیده بود که شهرتش در طب، زبانزد عام و خاص شد و در هجده سالگی بقیه علوم از جمله نجوم، طب و فلسفه را به پایان برد و

---

1 - در تدوین زندگینامه ابن سینا از این منابع استفاده شده است.

- شمس الدین شهرزوری، *نزهة الارواح و روضة الافراح*، مقصود علی تبریزی، اول، تهران: انتشارات علمی - فرهنگی، ص 422-453.

- سید حسین نصر، *تاریخ فلسفه اسلامی*، جلد 1، تهران: حکمت، 1383، ص 399-421.

- علی اصغر حلبی، *تاریخ فلسفه در ایران و جهان اسلامی*، اول، بی جا، اساطیر، 1373، ص 163-190.

- هانری کرین، *تاریخ فلسفه اسلامی*، ترجمه جواد طباطبایی، دوم، تهران: کویر، 1377، ص 237-248.

- حنا الفاخوری، خلیل الجبر، پیشین، ص 449-515.

- جمعی از نویسندگان، *تاریخ فلسفه اسلامی*، پیشین، ص 121-126.

- عبدالله النعمه، *فلاسفة الشیعه*، ترجمه سید جعفر غضبان، اول، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، 1367، ص 144-169.

- *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، جلد 4، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، اول، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، 1370، مدخل ابن سینا، ص 1-28.

- ماجد فخری، *سیر فلسفه در جهان اسلام*، اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، 1372، ص 145-150.



سپس به الهیات روی آورد و به مطالعه کتاب مابعدالطبیعه ارسطو پرداخت و به گفته خودش، چهل بار آن را خواند تا اینکه حفظ شد ولی به مقصود آن پی نبرد تا آنکه به طور اتفاقی کتابی از فارابی با عنوان اغراض مابعدالطبیعه را یافت و با مطالعه آن، مقصود و محتوای کتاب برایش آشکار شد.

ابن سینا در بیست و یک سالگی دست به تألیف زد و چون به بیست و دو سالگی رسید پدرش درگذشت؛ از این پس زندگی او سراسر حادثه و آشوب است به طوری که گاه در زندان و گاه در سفر و گاهی نیز از مقربان حکمای زمان خود بود. سرانجام این شخصیت بزرگ در نخستین جمعه رمضان سال 428ق (1037 م) در سن 58 سالگی بر اثر بیماری درگذشت و در شهر همدان مدفون گردید.

جالبترین ویژگی ابن سینا، نوشتن آثار علمی متعددی است که علیرغم اشغالات سیاسی و اوضاع نابسامان زندگی اش تألیف کرد که شمار آنها را به بیش از دویست کتاب و رساله رسانده‌اند که برخی از آنها خود مشتمل بر چندین مجلد است؛ مهم‌ترین آثار ابن سینا عبارتند از:

1- الشفاء 2- النجاة 3- الاشارات و التنبيهات 4- الحکمة المشرقیة 5- عیون الحکمه  
6- المبدأ و المعاد 7- دانشنامه علایی 8- القانون فی الطب 9- المباحثات  
حجم آثار گرانسنگ ابن سینا در علوم مختلف حقیقتاً مایه حیرت است و می‌توان موفقیت‌های او را حاصل این امور دانست:<sup>1</sup>

1- حافظه بی‌نظیر و نبوغ چشمگیری که خداوند به او ارزانی داشته بود.<sup>2</sup>

---

1 - سید حسین نصر، تاریخ فلسفه اسلامی، ج 1، پیشین، ص 400.

2 - ابن سینا، دانشنامه علایی (طبیعیات)، تصحیح محمد مشکات، دوم، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، 1383، ص 144: «و این کس را بهزده سالگی یا نوزده سالگی، علوم حکمت از منطق و طبیعیات و الهیات و هندسه و حساب و هیئت و موسیقی و علم طب و بسیار علمهای غامض، معقول شد چنانکه دیگری چون خویشتن ندید پس از آن سپس سالها بماند و چیزی بیشتر نیفزود بر آن حال اول.»

## 2- اشتیاق عقلانی والا به حل مسائل علمی

### 3- عزم راسخ و پشتکار و تلاش زیاد

ابن سینا قصد پایه‌گذاری نظام فلسفی نوینی را داشته که آن را حکمت مشرقیه نامیده و به گفته خودش در ابتدای کتاب شفا<sup>1</sup> غیر از آن چیزی است که در سنت فلسفی مشاء شناخته شده بود که رگه‌هایی از آن را در سه نمط آخر اشارات و رسائل عرفانی او می‌توان سراغ گرفت و طبق گفته خود او در کتاب الانصاف و حکمة المشرقین مطرح شده اما این دو اثر به ما نرسیده ولی رگه‌های عرفانی ابن سینا زمینه مناسبی برای تدوین مکتب فلسفی اشراق توسط سهروردی گردید.<sup>2</sup>

#### 1-5-2. مکتب فلسفی ابن سینا

ابن سینا فیلسوفی نظام‌ساز است که در میان فیلسوفان بزرگ مسلمان جایگاه ویژه‌ای دارد. او بزرگترین و شاخص‌ترین نماینده فلسفه مشاء در جهان اسلام و فلسفه‌اش پخته‌ترین و کاملترین بیان فلسفه مشایی در عالم اسلام به شمار می‌آید زیرا فلسفه مشائی را به نیکوترین وجه، تبویب و تنظیم کرده، پیچیدگی‌ها و غوامض آن را با بیانی محکم و استدلالی توضیح داده و هر جا شکاف یا خلل و نقصانی در آن دیده تکمیل کرده و به بسط و تفصیل آن پرداخته است. در نظام فلسفی ابن سینا جنبه‌های اصیل شایان توجهی همچون مفاهیم صریح و دقیق، رویکرد فراگیر و مرتبط با همه ابعاد موضوع فلسفه، انسجام و سازگاری، قالب‌بندی نظری روشن، تفرع سامانمند فروع بر اصول و پیوند استنتاجی میان اجزاء نظام فلسفی دیده می‌شود و از این رو نظام‌مند بودن فلسفه او را همه مورخان فلسفه مورد تأکید قرار داده‌اند و به همین دلیل است که علی‌رغم حملات و اعتراضات گسترده‌ای که از سوی متکلمین و برخی

1 - ابوعلی سینا، *الشفا (المنطق)*، تصحیح سعید زائد، قم: آیت الله مرعشی نجفی، 1404ق، المدخل، ص 10.

2 - هانری کربن، *تاریخ فلسفه اسلامی*، پیشین، ص 289؛ *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ص 8-9؛ غلامحسین

ابراهیمی دینانی، *شعاع اندیشه و شهود در فلسفه سهروردی*، پیشین، ص 50-60.

فلاسفه بر علیه او صورت گرفت قرن‌ها است که بر میراث فلسفی اسلامی مسلط می‌باشد و صدرالحکماء و الفلاسفه یعنی ملاصدرا در اندیشه‌های فلسفی به شدت از او متأثر است و برای شخصیت علمی بوعلی احترامی فوق العاده قائل است و هیچ اندیشمندی را از نظر هوش و ذکاوت با ابن سینا برابر نمی‌داند و مکرراً از او با تعبیراتی چون فاضل فلاسفه<sup>1</sup>، رئیس فلاسفه<sup>2</sup>، راسخ در حکمت<sup>3</sup>، تیزفهم<sup>4</sup>، لطیف طبع<sup>5</sup> و... یاد می‌کند و در موردی او را از آباء روحانی و اجداد عقلانی خویش به شمار می‌آورد<sup>6</sup> و باز از همین روست که استاد بزرگ فلسفه و عرفان مرحوم امام خمینی(ره) در باره او می‌گوید:

*«ایرادات مختلفی به شیخ در حکمت الهی وارد است ولی با این حال*

*در بین ارباب نظر و تحقیق لم یکن له کفوّاً احد»<sup>7</sup>*

شیخ رئیس زمانی ظهور کرد که از عمر تکوین فلسفه اسلامی یک سده کامل گذشته بود؛ او میراث گذشته را مضبوط و استوار کرد و فصول آن را به نحوی نیکو تنسیق کرد<sup>8</sup> و با تکیه بر کوهی از معارف بشری که به وسیله مترجمان و شارحان و فلاسفه گذشته فراهم آمده بود به سامان‌دهی منسجم ایده‌ها و آموزه‌های فلسفی مبادرت ورزید و هنرمندانه به ساختن نظام فلسفی خویش پرداخت و در یک کلام درخت فلسفه اسلامی به دست ابن سینا تناور گشت و با آثار او اشاعه و نضج یافت و ژرف‌ترین و ماندنی‌ترین تأثیر را بر تفکر فلسفی

1 - ملاصدرا، *الاسفار الاربعه*، ج 2، سوم، بیروت: دار احیاء التراث، 1981، ص 207.

2 - همان، ج 3، پیشین، ص 312؛ ج 9، پیشین، ص 151.

3 - همان، ج 1، پیشین، ص 34؛ ج 2، پیشین، ص 245؛ ج 4، پیشین، ص 138.

4 - همان، ج 9، پیشین، ص 108.

5 - همان.

6 - همان، ج 2، پیشین، ص 234-235.

7 - حسن جمشیدی، *چهره‌های درخشان از نگاه سید جلال آشتیانی*، اول، مشهد: دانشگاه فردوسی، 1384، ص 142.

8 - علی اصغر حلبی، پیشین، ص 190.

اسلامی پس از او و نیز فلسفه اروپایی سده‌های میانه گذاشته است<sup>1</sup> و لذا اگر او را از تاریخ فلسفه برداریم نه تنها جایگاهش خالی می ماند بلکه بی‌مبالغه باید گفت فلسفه را از فرهنگ اسلامی برداشته‌ایم.

ابن سینا فیلسوفی مشائی است که معتقد است حقیقت تنها به وسیله استدلال منطقی و برهان عقلی کشف می شود و با این دیدگاه و استفاده از منابع گذشتگان توانست یک نظام فلسفی استوار و کامل به وجود آورد که اگرچه در مقایسه با مکاتب بعدی فلسفه کمبودهایی دارد اما در زمان خود حقیقتاً تلاشی تحسین‌برانگیز است.

### 1-2-5-1. منابع اندیشه ابن سینا

مکتب فلسفی ابن سینا، که سرآغاز فلسفه اسلامی به مفهوم فنی آن بوده است<sup>2</sup> نسبت به فلسفه ارسطو، از جمله مکاتب مرکب محسوب می شود زیرا فلسفه ارسطو به هیچ گونه، تعدد عناصر و گوناگونی روش و طریقت ندارد.<sup>3</sup> فلسفه ابن سینا از این منابع و اندیشه‌ها سود جسته است:

1- آثار یونانی و اسکندرانی خصوصاً آثار ارسطو و شارحان نوافلاطونی آن: نظام فلسفی ابن سینا آمیزه‌ای از مهم‌ترین عناصر بنیادین فلسفه مشایی ارسطویی و برخی عناصر مشخص جهان‌بینی نوافلاطونی است. او آراء مفسران اسکندرانی و فلسفه نوافلاطونی را با فلسفه ارسطو تلفیق کرد و اگرچه فلسفه‌اش بیش از همه، صبغه مشایی ارسطویی دارد اما پیروی او از ارسطو، کورکورانه نیست.<sup>4</sup>

2- فیلسوفان پیشین مسلمان به ویژه اخوان الصفا و فارابی: ابن سینا مانند پدرش رسائل

1- دائرة المعارف بزرگ اسلامی، پیشین، ص 8.

2- ملاصدرا، مفاتیح الغیب، مقدمه علی عابدی شاهرودی، ترجمه محمد خواجه‌ای، اول، تهران: مولا، 1384، ص چهل و شش.

3- همان، ص، چهل و نه.

4- دائرة المعارف بزرگ اسلامی، پیشین، ص 8.

اخوان الصفا را مطالعه می کرده<sup>1</sup> و تفسیر فارابی بر مابعدالطبیعه ارسطو تأثیر مستقیمی بر فهم ابن سینا از مابعدالطبیعه ارسطو داشته است.<sup>2</sup>

3- کلام اسلامی: منازعات کلامی و دستاوردهای مثبت و منفی آن نمی توانست از ذهن اندیشه‌ورزی مثل ابن سینا دور مانده باشد لذا کلام اسلامی سهم بسزایی در رشد فلسفه ابن سینا داشته است.<sup>3</sup>

4- آموزه‌های اسلامی: مهم‌ترین منبع اندیشه ابن سینا که سبب اسلامی شدن فلسفه او شده است قرآن و سنت می باشد و به طور کلی می توان هماهنگی میان فلسفه و تعالیم دینی را ویژگی اصلی نظام فلسفی ابن سینا دانست.<sup>4</sup> او با نبوغ خاص خود کوشید آراء یونانیان را با نظر اسلام درآمیزد و تا آنجا که ممکن است آنها را به آموزه‌های اسلامی نزدیکتر کند و به دلیل جهت‌دهی قرآن و سنت است که در فلسفه اسلامی مطالبی پیدا می شود که در اصل یونانی آن اصلاً سابقه ندارد زیرا قرآن و سنت به فلاسفه مسلمان، بستر و موضوع مناسب برای اندیشیدن ارائه می کند تا آنها با تفکر در آن موضوعات به صورت استدلالی به معارف ناب دست پیدا کنند. اسلام و معارف آن در واقع به فلاسفه غواص در بحر حقیقت، مکان پیدا کردن معارف عمیق و بلند را می آموزد درست مانند ماهی‌گیری که بدون اطلاع از مکان ماهی‌های مرغوب دریا به ماهی‌گیری می پردازد ولی وقتی به او اطلاع داده می شود که کجای دریا ماهی‌های مرغوب دارد با همان تور و شیوه سابق ماهی‌گیری می کند اما آنچه به دست می آورد با دستاوردهای قبلی اش قابل مقایسه نیست<sup>5</sup> و به همین جهت ابن سینا در فلسفه

---

1 - رضا اکبریان، *مناسبات دین و فلسفه در جهان اسلام*، اول، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، 1386، ص 234.

2 - قفطی، *تاریخ الحکماء*، به کوشش بهین دارائی، تهران: دانشگاه تهران، 1371، ص 558.

3 - یارعلی کرد فیروزجایی، *نوآوریهای فلسفه اسلامی*، اول، قم: مؤسسه امام خمینی، 1387، ص 100.

4 - همان: رضا اکبریان، *مناسبات دین و فلسفه در جهان اسلام*، پیشین، ص 234-235.

5 - حسن معلمی، *جزوه فلسفه مشاء*، ص 25، 26.

یونانی مباحثی را وارد کرد که اصلاً سابقه نداشت.

ابن سینا اساساً یک فیلسوف وجود است به این معنا که تحقیقات فلسفی را بر مباحث وجود مبتنی نموده و مسأله هستی و یا موجود بنیادی‌ترین موضوع پژوهش فلسفی او است<sup>1</sup> بنابراین نقطه آغاز در فلسفه او واقعیت یا موجود بماهو موجود است. مراتب هستی در نگاه بوعلی بر مسأله شناخت وجود پایه‌گذاری شده است؛ واقعیت هر شیء در وجود آن می‌باشد و حقیقت وجود (مصادق مفهوم وجود) واقعیتی خارجی است:

«إذا سئل هل الوجود موجوداً أو ليس بموجود فالجواب أنه موجود بمعنى أن

الوجود حقيقة أنه موجود فإن الوجود هو الموجودية»<sup>2</sup>

مباحث وجود در فلسفه ابن سینا بر دو اصل اساسی پایه‌گذاری شده است:

#### 1- امتیاز بین وجود و ماهیت.

هرگاه در باره شیئی تفکر شود ذهن انسان از آن دو حیثیت متمایز را تشخیص می‌دهد یکی ماهیت که در جواب سؤال آن چیست می‌آید و دیگری وجود که در جواب سؤال آیا هست می‌آید؛ بنابراین یکی از پایه‌های فلسفه ابن سینا، تمایز ماهیت و وجود از یکدیگر است.<sup>3</sup> شیخ معتقد است که وجود شیء به ماهیت آن اضافه می‌شود و وجود است که به هر ماهیت، حقیقت و واقعیت می‌دهد.<sup>4</sup>

این اصل اساسی زمینه‌ای می‌شود برای اصل دیگر سینوی یعنی تقسیم موجود به واجب و ممکن زیرا اگر از تمایز وجود و ماهیت و به عبارت دیگر قاعده کل ممکن زوج ترکیبی

1 - دائرة المعارف بزرگ اسلامی، پیشین، ص 10.

2 - ابوعلی سینا، *التعلیقات*، به نقل از ملاصدرا، *الاسفار الاربعه*، ج 1، سوم، بیروت: دار احیاء التراث، 1981م، ص 41؛ *المشاعر*، دوم، تهران: طهوری، 1363، ص 22.

3 - ابوعلی، *الاشارات و التنبیها*، با شرح خواجه طوسی و قطب الدین رازی، ج 3 اول، قم: نشر البلاغه، 1375، ص 14-13.

4 - ابوعلی سینا، *التعلیقات*، بیروت: مکتبه الاعلام الاسلامی، 1404ق، ص 185.

غفلت شود این تقسیم، امکان پذیر نخواهد بود زیرا صرف وجود بدون لحاظ حیثیت دیگر قابل انقسام به واجب و ممکن نیست لذا ابن سینا از این اصل در چینش نظام هستی سود می گیرد و از سویی منزلت حضرت حق را که همان عینیت وجود و ماهیت (الحق ماهیته انیته) است و از سوی دیگر محدودیت موجودات امکانی را مورد بررسی و تأکید قرار می دهد.

## 2- تمایز میان وجود و امکان و امتناع (تقسیم وجود به واجب و ممکن)

همان گونه که گذشت این تمایز با تمایز میان وجود و ماهیت ارتباط تام دارد و مورد قبول فیلسوفان مسلمان بعد از ابن سینا قرار گرفت.<sup>1</sup> ابن سینا در اشارات تصریح می کند که:

«هرگاه به موجودی به لحاظ ذاتش نظر شود یا به گونه ای است که وجود برایش واجب است یا چنین نیست اگر واجب باشد او واجب الوجود بالذات است و اگر واجب نباشد با فرض اینکه موجود شمرده شده روا نیست ممتنع بالذات باشد پس برای او امر سوم باقی می ماند که در ذاتش ممکن است.»<sup>2</sup>

ابن سینا پس از اثبات تمایز میان وجود و ماهیت و تقسیم موجود به ممکن و واجب، ممکنات را به دو دسته جواهر و اعراض تقسیم می کند. جواهر به مفارقات و نفس و جسم تقسیم می شود<sup>3</sup> و مراتب هستی در فلسفه ابن سینا بر اساس این جواهر شکل می گیرد و بر اساس میزان عاری بودن جواهر از ماده و عوارض مادی، مراتب هستی به ترتیب عقل، نفس و عالم جسمانی که متشکل از هیولا و صورت است خواهد بود و تمامی این جواهر از یک منبع فیض ناشی شده اند که حضرت حق تعالی می باشد و تمام مراحل واقعیت این جهان جز فیض

1 - سید حسین نصر، سه حکیم مسلمان، پیشین، ص 27.

2 - ابوعلی سینا، الاشارات و التنبیها، ج 3، پیشین، ص 18.

3 - ابوعلی سینا، الهیات دانشنامه علایی، تصحیح محمد معین، دوم، همدان: دانشگاه بوعلی سینا، 1383، ص 115-

وجود از ناحیه واجب تعالی نمی باشد.<sup>1</sup>

## 1-6. شیخ اشراق و مکتب فلسفی او

### 1-6-1. زندگینامه سهروردی<sup>2</sup>

حکیم شهاب الدین یحیی بن حبش امیرک سهروردی معروف به شیخ اشراق، شیخ مقتول و شیخ شهید در سال 549 هـ (1153 م) در سهرورد زنجان به دنیا آمد و نباید او را با دو نفر دیگر که تشابه اسمی دارند اشتباه کرد 1- شهاب الدین ابوحفص عمر سهروردی 2- ابونجیب سهروردی؛ زندگینامه سهروردی عمدتاً مستند به کتاب نزهة الارواح شهرزوری می باشد. مرحوم شیخ حیات علمی خود را در مراغه از توابع آذربایجان و نزد مجدالدین جیلی که از فقهاء و متکلمان آشنا با حکمت سینوی بود، اصول فقه و فلسفه را آموخت. آنگاه به اصفهان رفت و در محضر ظهیرالدین فارسی کتاب بصائر النصیریّه ابن سهلان ساوی را فرا گرفت و در این دوران بود که با فخر رازی هم مدرسه شد. پس از تحصیلات متداول شروع به مسافرت کرد تا با مشایخ صوفیه و عرفاء ملاقات کرده و از اندوخته های عرفانی و علمی آنها بهره بگیرد. او در این دوران به سیر و سلوک باطنی و ریاضت رو می آورد تا بلکه بتواند

---

1 - سید حسین نصر، *نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت*، سوّم، تهران: خوارزمی، 1359، ص 305.

2 - در تدوین زندگینامه سهروردی از این منابع استفاده شده است:

- شمس الدین شهرزوری، *نزهة الارواح و روضة الافراح*، پیشین، ص 454-475.

- سید حسین نصر، *تاریخ فلسفه اسلامی*، ج 2، اول، تهران: حکمت، 1386، ص 271-275.

- سید حسین نصر، *سه حکیم مسلمان*، پیشین، ص 58-62.

- هانری کربن، پیشین، ص 287-292.

- *دائرة المعارف بزرگ تشیع*، جلد 9، اول، تهران: مجبی، 1381، ص 439-442.

- علی اصغر حلبی، پیشین، ص 354-360.

- جمعی از نویسندگان، *تاریخ فلسفه اسلامی*، پیشین، ص 251-277.



شریکی را بی‌ابد که در تحصیل حقایق او را یاری کند.<sup>1</sup> نخستین سفر او به منطقه آناتولی ترکیه بود که در آنجا از پذیرایی امیران سلجوقی روم بهره‌مند شد و در شهر ماردین با فخرالدین ماردینی که از عرفاء و حکماء بود دیدار کرد و بی‌باکی او در ابراز عقاید و بیان حقایق موجب شد که ماردینی بر جان او بیمناک شود. پس از این، او آخرین سفر خود را به دمشق آغاز کرد و در شهر حلب اقامت گزید و نزد حاکم حلب که فرزند صلاح الدین ایوبی بود تقرّب یافت. اکرام حاکم جوان از شیخ اشراق و سعی او در ارشاد خلائق و شجاعت در ابراز عقاید او را مغضوب و محسود تنگ‌نظران و متعصبان کرد تا اینکه بر اثر اصرار آنها صلاح الدین ایوبی فرزندش ملک ظاهر را مجبور کرد که حکیم جوان را به قتل برساند. سرانجام این شخصیت بزرگ مسلمان در سال 587 هـ (1191 م) در سن 38 سالگی به شهادت رسید.

سهروردی نویسنده پرکاری بود و کثرت آثار و عظمت اندیشه و مقام رفیعی که در علم و حکمت و عرفان دارد با توجه به عمر کوتاهی که داشته نشان از این حقیقت دارد که سراسر عمرش در تحصیل علم و تهذیب نفس گذشته است. وی حدود پنجاه کتاب و رساله نوشته که بیشتر آنها به دست ما رسیده است؛ آثار او را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:<sup>2</sup>

1- چهار کتاب اصلی که ابتدا فلسفه مشاء را مطرح و سپس حکمت اشراق را مورد بررسی قرار می‌دهد که عبارتند از تلویحات، مقاومات، مطارحات و حکمة الاشراق که این کتاب اخیر شاهکار فلسفی سهروردی در حکمت نوریّه می‌باشد.

2- رساله‌های کوتاه که تلخیص کتب فوق به زبان ساده‌تر است: هیاکل النور، الالواح العمادیّه، پرتونامه، فی اعتقاد الحکماء، اللّمحات، یزدان‌شناخت، بستان القلوب که البته صحّت انتساب دو رساله اخیر به سهروردی مشکوک است.

3- حکایت‌های رمزی، تأویلی: عقل سرخ، آواز پر جبرئیل، الغرّبة الغریبه، لغت موران،

---

1 - سهروردی، *مجموعه مصنفات*، ج 1، پیشین، ص 505.

2 - سید حسین نصر، *سه حکیم مسلمان*، ص 61-62؛ م.م. شریف، *تاریخ فلسفه در اسلام*، ج 1، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، 1362، ص 531.

- فی حالة الطفولیة، روزی با جماعت صوفیان، رساله فی المعراج، صغیر سیمرخ.
- 4- ترجمه‌ها، شرح‌ها و تفسیرهایی که بر کتب فلسفی و قرآن و حدیث نوشته است: ترجمه رساله الطیر ابن سینا به فارسی، شرح اشارات، رساله فی حقیقة العشق، تفسیر چند سوره قرآن و برخی از روایات.
- 5- دعاها و مناجات‌نامه‌ها: الواردات القلبیه، الدعوات الشمسیه.

#### 1-6-2. مکتب فلسفی سهروردی

سهروردی فیلسوفی نظام‌ساز و از بزرگترین حکمای اسلامی است که در آسمان دانش درخشید و به قلب‌های مشتاق به نور حکمت روشنی داد.<sup>1</sup> شیخ اشراق بدون شک از اعجوبه‌های روزگار بود که ذهنی فوق العاده و قّاد و جوّال و نوجو و مبتکر داشته است.<sup>2</sup> در اندیشه سهروردی حکمت حقیقی، واحد بوده<sup>3</sup> و حکیمان، مفسّر یک پیام و یک حقیقتند و کار فلسفه و غایت آن رسیدن به واقع کما هو الواقع است و هر کس که به متن واقع برسد حکمت حقه را به دست آورده و حکیم واقعی است.<sup>4</sup> بهترین راه رسیدن به واقع همان راه شهود است که خطاناپذیر می‌باشد. سهروردی نام این حکمت حقه را که توسط ربّ النوع انسانی القا می‌شود<sup>5</sup> خمیره واحده ازلی حکمت نامیده که به صورت‌های گوناگون و مختلف نزد اقوام و ملت‌های پیشین بوده است<sup>6</sup> و اگر اختلافی در آنها دیده می‌شود اختلاف در ظاهر

1 - ملاصدرا، *مفاتیح الغیب*، پیشین، مقدمه علی عابدی شاهرودی، ص پنجاه و سه.

2 - شهید مطهری، *مجموعه آثار*، پیشین، ج 14، اول، تهران: صدرا، 1375، ص 493.

3 - شهاب الدین سهروردی، پیشین، ج 4، تصحیح نجفقلی حبیبی، سوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، 1380، ص 102: «الحقیقة شمس واحده لا تتعدّد بتعدّد مظاهرها من البروج، المدينة واحدة و الدّروب كثيرة»؛ ج 1، ص 494.

4 - همان، ج 1، ص 503: «و لا یعدّ الانسان فی الحکماء ما لم یطلّع علی الخمیره المقدّسه.»

5 - همان، ص 464: «هرمس یقول انّ ذاتاً روحانیة القت الیّ المعارف فقلت لها من انت فقالت انا طباعک التامة.»

6 - رضا اکبریان، *مناسبات دین و فلسفه در جهان اسلام*، پیشین، ص 441.

عبارات است نه در حقیقت مطلب<sup>1</sup> که گروهی به رمز و گروهی به تصریح سخن گفته‌اند ولی همگی از روح حکمت واحدی برخوردار بوده‌اند.<sup>2</sup>

سهروردی خود را احیاءکننده حکمت پیشینیان می‌داند<sup>3</sup> و سعی می‌کند با نبوغ فوق العاده خود، وجه مشترک اندیشه حکمای ایران و یونان و شهودات عارفان و معارف قرآن و روایات که همان خمیره ازل حکمت است را تحت یک نظام فلسفی بدیع بازسازی کند. در واقع شیخ اشراق، نظام فلسفی خود را نقطه تلاقی برهان و شهود قرار داد<sup>4</sup> و نام حکمة الاشراق را برای آن برگزید تا دیدگاه فلسفی خود را از آثار فلسفی مشایی رایج در آن زمان که عمدتاً شامل تعالیم رئیس المشائین ابن سینا بود متمایز کند<sup>5</sup> و می‌توان مدعی شد که حکمت اشراق ساختار فلسفی متمایز و نظام‌مندی است که سهروردی آن را به منظور پرهیز از ناسازگاریهای منطقی، معرفت‌شناسانه و مابعدالطبیعی که در فلسفه مشایی آن زمان تشخیص داد طراحی کرد.<sup>6</sup>

اندیشه‌های سهروردی مورد توجه بسیاری از اندیشمندان بزرگ جهان اسلام واقع شد و تدوین مکتب بزرگ و باشکوه حکمت متعالیه توسط صدرالمآلهین بی‌شک با بهره از افکار شیخ اشراق بوده است بنابراین نفوذ او در شرق با نفوذ ابن سینا برابری می‌کند و لذا قرن هفتم بر خلاف تصور مورخان غربی نه تنها پایان تفکر نظری در اسلام نیست<sup>7</sup> بلکه در حقیقت،

---

1 - شهاب الدین سهروردی، پیشین، ج 2، تصحیح هانری کرین، سوم، پژوهشگاه علوم انسانی، 1380، ص 10، ج 4،

ص 102: «ولا یلعین بک اختلاف العبارات.»

2 - سهروردی، مجموعه مصنفات، ج 2، پیشین، ص 10-11.

3 - سهروردی، مجموعه مصنفات، ج 3، پیشین، ص 33.

4 - جمعی از نویسندگان، تاریخ فلسفه اسلامی، ص 256.

5 - سید حسین نصر، تاریخ فلسفه اسلامی، ج 2، ص 275.

6 - همان، ص 277.

7 - رضا اکبری، مناسبات دین و فلسفه در جهان اسلام، پیشین، ص 439-440.

آغاز یکی از مهمترین مکاتب فلسفی است که به راستی فلسفه مشاء را به چالش می کشد.

### 1-2-6-1. منابع حکمت سهروردی

مکتب اشراق از زمره مکاتب مرگب است که از روشها و عنصرهای گوناگون که به طرز بدیعی در هم ادغام شده اند فراهم آمده است و در عین ترکیب از دیگر مسالک، جوهر و اصالت خود را حفظ می کند<sup>1</sup> و نظامی نو و بدیع را عرضه می کند.

عناصر و مواد تشکیل دهنده حکمت سهروردی عبارتند از:

1- اندیشه های یونان باستان: سهروردی در آغاز کتاب حکمة الاشراق، نظام فلسفی خود را برگرفته از حکمت هرمتی و آغاثادیمون و فیثاغورث و انبذقلس و سقراط و افلاطون می داند.<sup>2</sup> او هرمتس را اب الفلاسفه<sup>3</sup> و دیگر حکمای اشراقی یونان را از بزرگان فلسفه می داند.<sup>4</sup>

2- حکمت ایران باستان یا حکمت خسروانی: سهروردی خود را زنده کننده حکمت ایشان می داند و از بزرگانی، مانند جاماسب، کیومرث، زرتشت، فرشادشیر، بوذرجمهر و فریدون نام می برد.<sup>5</sup> سهروردی از ابتدا حساب خود را از ایرانیان قائل به ثنویت جدا می کند و زرتشت را قائل به توحید و خود را پیرو این حکمای توحیدی می داند.<sup>6</sup>

3- حکمت مشاء: شیخ اشراق از درون مایه فلسفه مشاء در قالب حکمت سینوی کمک گرفت و بسیاری از قواعد و مسائل آن را پذیرفت و حکمت مشاء را مقدمه و امر ضروری

---

1 - ملاصدرا، *مفاتیح الغیب*، پیشین، ص پنجاه و چهار.

2 - سهروردی، *مجموعه مصنفات*، ج 2، 10.

3 - همان، ج 1، پیشین، ص 111.

4 - همان، ص 10، ص 255.

5 - همان، ص 11؛ ج 1، پیشین، ص 502؛ ج 4 پیشین، ص 128.

6 - همان، ص 11؛ ج 4، ص 92؛ ج 3، پیشین، ص 185.

برای فهم حکمتش قرار داد<sup>1</sup> و البته بسیاری از اصول بنیادین مشاء را مورد نقد قرار داد.

4- عرفان اسلامی: فلسفه سهروردی، سلوک عرفانی را برای اکتشاف حقیقت یکی از اساسی ترین عناصر روش خویش قرار داد زیرا دلایل عقل را ناکافی می دانست.<sup>2</sup> مرحوم شیخ دلبستگی خاصی به عارفان دارد و تقارن خاصی میان تعالیم سهروردی و عرفان وجود دارد. او در خلسه ای ملکوتی ارسطو را می بیند که به او می گوید بایزید و تستری و امثال آنها از حکمای راستینند.<sup>3</sup> سهروردی در کلمات خود به سخنان عرفا استناد می کند و بیش از همه به بایزید و منصور حلاج ارادت می ورزد.<sup>4</sup>

5- آموزه های دینی: قرآن و حدیث از مهمترین منابع فلسفه اشراق است. فیلسوفان مسلمان، دین را منبع قدسی معرفت می دانند و تمام تلاش آنها در جهت اثبات سازگاری عقل و دین است و لذا سهروردی تأکید می کند که هر ادعایی که مؤید دینی نداشته باشد باطل است<sup>5</sup> و وصول به حقیقت اعلی از طریق تمسک به کتاب و سنت میسر می باشد و بر این عقیده است که در پرتو نور محمدی می توان به حقیقت ادیان گذشته و حکمت پیشینیان دست یافت.<sup>6</sup>

شیخ اشراق اساس مابعدالطبیعه خود را بحث نور و ظلمت قرار می دهد و به وجود عالم نور و عالم ظلمت تصریح می کند و معتقد است جهان در همه درجات واقعیت خود چیزی جز درجات مختلف نور و ظلمت نیست.<sup>7</sup> در فلسفه او همه چیز بر اساس نور و ظلمت

---

1 - هما، ج 2، پیشین، ص 12-13 و 258.

2 - ملاصدرا، *مفاتیح الغیب*، پیشین، ص شصت و دو.

3 - سهروردی، *مجموعه مصنفات*، ج 1، پیشین، ص 70.

4 - همان، ج 3، پیشین، ص 128، 297، 328، 331، 374، 376، 377.

5 - همان، ج 4، ص 102.

6 - غلامحسین ابراهیمی دینانی، پیشین، ص 39.

7 - سید حسین نصر، *سه حکیم مسلمان*، پیشین، ص 73.

تعریف می‌شود و بنابراین صحیح خواهد بود که سهروردی را فیلسوف نور و حکمت او را حکمت نوریه بخوانیم همانگونه که او خود فلسفه‌اش را فقه الانوار و علم الانوار می‌نامد.<sup>1</sup> به عقیده شیخ اشراق، تنها چیزی که می‌توان نام حقیقت بر آن نهاد و نیازی به تعریف ندارد نور است<sup>2</sup> و ظلمت همان عدم نور است<sup>3</sup> که یا جوهری است یا عرضی<sup>4</sup> همان گونه که انوار نیز بر دو قسمند: انوار جوهریه یعنی نور فی نفس لافسه و دیگری انوار عرضیه یعنی نور فی نفس لغيره؛<sup>5</sup> انوار مجردة نیز بر دو قسمند:<sup>6</sup>

الف: تعلق به ماده ندارند: انوار قاهره طولیه و عرضیه

ب: تعلق تدبیری به ماده دارند اگرچه مادی نیستند: انوار مدبره فلکی و انسانی

شیخ اشراق در انوار قائل به شدت و ضعف یا تشکیک است؛ از دیدگاه وی نور حقیقت واحدی است که در عین وحدت دارای شدت و ضعف می‌باشد به این معنا که انوار اگرچه در حقیقت نوری واحدند لیکن در شدت و ضعف و کمال و نقص با هم تمایز دارند مثلاً نور الانوار و نور اقرب که اولین صادر از اوست در حقیقت نوری واحدند اما یکی نور شدید و دیگری نور ضعیف است.<sup>7</sup>

عالی‌ترین مرتبه نور، نور الانوار است که به خاطر شدت ظهور محیط بر همه انوار

---

1 - سهروردی، *مجموعه مصنفات*، ج 1، پی‌شین، ص 505؛ ج 2، پی‌شین، ص 10.

2 - همان، ص 106-107-113؛ قطب الدین شیرازی، *شرح حکمة الاشراق*، اول، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، 1383، ص 287.

3 - سهروردی، *مجموعه مصنفات*، ج 2، پی‌شین، ص 107-108.

4 - همان، ص 107-113؛ قطب الدین شیرازی، پیشین، ص 277؛ شهرزوری، *شرح حکمة الاشراق*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، 1372، ص 288.

5 - سهروردی، *مجموعه مصنفات*، ج 2، پی‌شین، ص 107-117؛ قطب الدین شیرازی، پیشین، ص 291.

6 - سهروردی، *مجموعه مصنفات*، ج 2، پی‌شین، ص 145.

7 - همان، ص 119-126، 127-120؛ قطب الدین شیرازی، پیشین، ص 295-297.

می‌باشد و همهٔ عالم اشعهٔ ضعیفی از پرتو نور او هستند و<sup>1</sup> آفرینش افاضه و اشراق نورالانوار است.

بنابراین عوالم هستی در دیدگاه سهروردی چهار مرتبه دارد:<sup>2</sup>

1- انوار قاهره طولیه و عرضیه

2- انوار مدبره فلکیه و انسانی

3- عالم مثال

4- عالم برازخ یا ماده

عالم مثال، حلقه اتصال و عالم واسطهٔ بین عالم انوار قاهره و عالم برازخ است که محل صور معلّقه می‌باشد.<sup>3</sup> این عالم از شاهکارهای فلسفی سهروردی و برگرفته از شهودات وی می‌باشد؛ از دیدگاه او عالم ماده، عالم ظلمات است که بهره‌ای از نور نبرده است.

---

1 - سهروردی، *مجموعه مصنفات*، ج 2، پیشین، ص 121؛ شهرزوری، *شرح حکمة الاشراق*، پیشین، ص 316.  
2 - سهروردی، *مجموعه مصنفات*، ج 2، پیشین، ص 232؛ شهرزوری، *شرح حکمة الاشراق*، پیشین، ص 553.  
3 - سهروردی، *مجموعه مصنفات*، ج 1، پیشین، ص 496؛ ج 2، پیشین، ص 230-231؛ شهرزوری، *شرح حکمة الاشراق*، پیشین، ص 554-551؛ قطب الدین شیرازی، *شرح حکمة الاشراق*، پیشین، ص 298.